



اساس سوسیالیسم انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.
منصور حکمت

شماره ۲۶۰
۱۳۸۴ اردیبهشت
۱۸ مه ۲۰۰۵

ایسکرا

www.iskraa.org

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران



محمد آسنگران

جنبش چپ در کردستان و فاز جدید مبارزه

زحمتکش برای بهبود زندگی رکنهای دیگر این جنبش انقلابی هستند که هر کدام از اینها در مقایسه با حتی یک سال قبل هم چندین قدم جلو آمده و از لحاظ کمی و کیفی تغییرات مهمی را از سر گذرانده اند. اگر چه هر کدام از این جنبشهای اجتماعی در خود به ارزیابی و شناخت دقیقتری نیاز دارند. اما من تلاش میکنم در این نوشته مختصرا به اوج گیری و تغییرات کمی و کیفی جنبش کارگری در کردستان، و همچنین به بررسی مختصر جنبش جوانان،

این يك واقعیت داده شده اجتماعی است که چپ و کمونیسم در کردستان يك جنبش قوی و توده ای است. اگر سالهای قبل، این پدیده هنوز خود را متشکل نکرده و بطور همه جانبه حضور نداشت اکنون این جنبش به عنوان يك جنبش بالفعل در میدان سیاست در کردستان نقش اساسی بازی میکند و توجه همگان را بخود جلب کرده است. جنبش کارگری در راس جنبش انقلابی و چپ در کردستان قدمهای جدی به جلو برداشته است. جنبش زنان، جوانان و اعتراضات مردم

دانشجویان و زنان و اعتراضات مردم در کردستان بپردازم.

فاکتورهای مهم موقعیت فعلی جنبش کارگری در کردستان!

جنبش کارگری در کردستان با انقلاب ۵۷ وسیعاً پا به میدان صفحه ۳



اصغر کریمی

اعتصابی کوچک با درسهای بزرگ

شد. چه مسائلی در این موفقیت تاثیر داشت؟
اصغر کریمی: این مبارزه به نظر من حاوی درسها و تجارب مهمی است که جا دارد درمورد آن نوشته شود. من اینجا صفحه ۲

ایسکرا: هفته گذشته شاهد مبارزات کارگران رادیاتورسازی آلومین در سنندج بودیم. علیرغم کوچک بودن این کارخانه و غیرغم فشارها و دسیسه های کارفرما و اداره کار، مبارزه کارگران آلومین به موفقیت های معینی منجر

کارگران شاهو در مقابل اداره کار سندج تجمع کردند

سال سابقه کار اخراج شده اند. کارگران اخراجی برای اینکه بتوانند به سر کار بازگردند از بسیاری حقوق و مزایای خود دست کشیده اند. تا کنون بارها به مقامات مختلف دولتی مراجعه کرده اند اما جوابی به آنها داده نشده است. به دیوان عدالت نامه نوشته اند که به وضع صفحه ۵

کارگران شاهو در مقابل اداره کار سندج تجمع کردند بر اساس اخبار رسیده امروز ۲۶ اردیبهشت کارگران اخراجی کارخانه شاهو در سنندج در مقابل اداره کار تجمع کردند. کارگران ضمن اعتراض به حکم اخراج و سیاست بیکارسازی خواهان بازگشت به کار شدند. این کارگران با ۲۰ تا ۲۷

صادق امیری آزاد شد

صفحه ۵

کارگران آلومین سنندج همراه با خانواده هایشان دست به تجمع زدند

انتظامی و نیروهای کمکی به محل کارخانه آمده و کارگران را تهدید کردند و اخطار کردند که اگر هر ماشین و دستگاهی از کار صفحه ۴

امضای قراردادهای موقت در اعتصاب بسر میبرند. دیشب ۲۳ اردیبهشت ماه کارگران در کارخانه دست به تحصن زدند و کارخانه را ترک نکردند. نیروی

بیش از دو هفته است کارگران رادیات سازی آلومین در سنندج در اعتراض به اخراج ها و عدم ایمنی محیط کار و فشار آوردن بر روی کارگران استخدام رسمی برای

در اشنویه پرچم جمهوری اسلامی ایران پایین کشیده شد

صفحه ۶

اولتیماتوم کارگران نساجی کردستان به کارفرما

کارفرما اعتراض کردند بر اساس صفحه ۵

کارگران نساجی کردستان در شهر سنندج به عدم اجرایی تعهدات

کارگران نساجی کردستان به کارفرما اولتیماتوم دادند

سردبیر ایسکرا منصور فرزاد

Tel: 0046 73 770 64 54
E.mail:
mansoorfarzad@yahoo.se

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

tel: 0049 1633458007
E.mail:
asangaran@aol.com

تلویزیون کانال جدید تا ۱۰ شب

Satellite: Telstar12

Center Frequency:
12608MHz

Symbol Rate:19279

FEC:2/3

Polarization:Horizontal

رادیو انترناسیونال

۹ هر شب

رادیوی قوی با پوشش سراسری در ایران

صدای آزادی ، صدای حقیقت
صدای کارگر، صدای انسانیت
به همه طول موج
رادیوی را معرفی کنید

۲۱ متر برابر

با ۱۳۸۰۰ کیلو
هرتز

ایسکرا

چهارشنبه ها منتشر
میشود

ادامه اعتصابی کوچک با درسهائی بزرگ

مختصرو فشرده به این تجربه اشاره میکنم و امیدوارم در فرصت دیگری بطور مفصل تر به آن بپردازم.

کارگران آلمین یک پیروزی داشتند. آنها اخراج شدند و عملاً کار در این کارخانه منبهد قرار دادی است. این را کارفرما و اداره کار تحمیل کرد. اما علیرغم این کارگران خود را پیروز میدانند. وضعیت اینطور بود که داشتند به بدترین شیوه و با کمترین پرداختی و با حداکثر یک ماه و نیم حقوق بابت سنوات کاری پرداخت میکردند اما پافشاری کارگران باعث شد که یکماه و نیم به چهارماه و نیم یعنی سه برابر افزایش یابد، خسارت جمشید پرکانیان که قبلاً کارفرما او را مقصر شناخته بود مورد بررسی قرار گیرد و حقوق و مزایای روزهای اعتصاب هم به آنها پرداخت شود. در مقایسه با آنچه داشت اتفاق میافتاد این قطعا یک پیروزی بود. اما چه فاکتورهائی موجب این پیروزی شد:

۱- قبل از هر چیز نارضایتی گسترده و زمینه شعله ور شدن اعتراضات توده ای و بحران عمیق و همه جانبه جمهوری اسلامی فاکتور مهمی است که توازن قوا را به نفع اعتصابات و مبارزات مردم تغییر داده است. در چنین شرایطی پافشاری بر هر مبارزه ای حتی در یک کارخانه نسبتاً کوچک موجب وحشت و نگرانی زیادی برای سران حکومت میشود.

۲- در چنین اوضاع و احوالی کشاندن مساله از داخل کارخانه به خیابانها و مقابل ادارات دولتی وحشت رژیم را ده چندان میکند. بویژه که کارگران آلمین فراخوانی نیز خطاب به کارگران و مردم سندان منتشر کردند و آنها را به شرکت در تجمعات اعتراضی

خود فراخواندند. کشاندن مساله به خیابانها و اطلاع رسانی به سایر مردم و فراخواندن آنها به حمایت یک اقدام بسیار مهم در اعتصابات کارگری است.

۳- اقدام مهم دیگر کارگران آلمین، شرکت همسران و سایر اعضای خانواده کارگران در تجمعات اعتراضی آنها بود. شرکت همسران در کنار فراخواندن مردم میتواند اگر بپر قدرت انجام شود فضای یک شهر را کاملاً تحت تاثیر قرار دهد، اعتصاب و اعتراض به مساله کل مردم شهر تبدیل شود و این نه تنها فضای عمومی را به نفع کارگران اعتصابی شکل میدهد بلکه میتواند مانند جرقه ای جامعه ناراضی و عاصی از این اوضاع را به حرکت درآورد. نیروی کارگران بسیار بیش از آن چیزی است که معمولاً بکار گرفته میشود، کارگران آلمین تلاش کردند همه این نیرو را به شرکت در اعتراض خود و جلب حمایت از اعتراض خود تشویق کنند. این کار رژیم را بشدت محتاط میکند چون از اهمیت آن بخوبی واقف است.

۴- و بالاخره در کنار اینها اطلاع رسانی به جامعه برای مطلع کردن افکار عمومی را باید اضافه کرد. تعدادی از فعالین کارگری در آلمین با رادیو و تلویزیون انترناسیونال و برخی رادیوهای فارسی زبان دیگر تماس گرفتند تا مشکلاتشان را با مردم در میان بگذارند.

و همه این اقدامات همزمان و به موازات هم و در فرصت نسبتاً کوتاهی انجام شد و یک اعتصاب کوچک در یک مرکز کارگری نسبتاً کوچک به مساله ای مهم تبدیل شد، چنان قدرتی یافت که اداره کار و کارفرما را بلافاصله به عقب نشینی هائی وادار کرد. ۱۵۴ نفر از کارگران نساجی

کردستان و شاهو و شهرک صنعتی با طوماری از آنها حمایت کردند. فضای شهر بدرجه قابل مشاهده ای به نفع آنها تغییر کرد، خبر به گوش همه رسید، تحرکی در میان سایر واحدها به نفع آنها در حال شکل گیری بود، همزمان کارگران شاهو و نساجی کردستان نیز برای پیگیری مطالبات خود مشغول اعتراض بودند و همه اینها شرایط را به نفع این اعتصاب تغییر داد. اگر این اعتصاب چند روز بیشتر طول میکشید ابعاد حمایت از این اعتصاب و انعکاس آن بسیار بیشتر میشد و اینرا رژیم به هیچوجه نمیخواست. ارسال نامه به سازمانهای کارگری جهانی، فراخوان به کارگران و مردم شهر، شرکت همسران و خانواده ها در تجمعات اعتراضی، تماس با رسانه ها و اطلاع رسانی به جامعه، اینها فاکتورهای مهم و تعیین کننده در پیروزی این اعتصاب بود. نیروی طبقه کارگر بر مراتب بیش از آن چیزی است که بطور معمول مورد توجه قرار میگیرد، کارگران آلمین نمونه خوبی در این زمینه ارائه دادند و سعی کردند از سازمانهای کارگری تا همسران و خانواده های خود و کارگران و مردم شهر را متوجه حرکت خود و تشویق به شرکت در اعتراض آنها و حمایت از آن بکنند. اگر این اقدامات صورت نمیگرفت به یقین این اعتصاب به پیروزی نمیرسید و کارگران را بدون هیچ حق و حقوقی اخراج میکردند. این اعتصاب حاوی درسهائی و تجارب بزرگی برای طبقه کارگر بود.

بدون شك این مبارزه تاثیر خود را بر سایر مراکز کارگری باقی گذاشت. الگوهای ارائه داد که مورد توجه دیگران قرار خواهد گرفت.

سنتهای جدید جای خود را در بخشهای بیشتری از طبقه کارگر باز کرده است. اعتصاب در

آلمین يك نمونه موفق آن بود. طبقه کارگر کارآئی و نتایج ارزشمند این سنت ها را در عمل میبیند و به آن روی میآورد. به این روند باید سرعت داد. این بحث را در جزوه اعتصاب مدرسه انقلاب است بطور مفصل توضیح داده ام. شخصاً فکر میکنم این جزوه راهنمای خوبی برای رهبران و فعالین کارگری است. اخیراً مطلع شدم که این جزوه در تیراژ ۷۰۰ نسخه در چند شهر تکثیر و در میان فعالین کارگری توزیع شده است. ضمن قدرانی عمیق از دوستانی که به تکثیر و توزیع آن کمک کرده اند، مطالعه آنرا به همه فعالین کارگری توصیه میکنم و بعلاوه همه فعالین کارگری و رهبران اعتصابات را به نوشتن تجارت خود و انتقال این تجارب به سایر بخشهای طبقه کارگر فرامیخوانم.

علیرغم موفقیتی که کارگران آلمین بدست آوردند، آنها اخراج شدند و کار رسمی در این کارخانه به کار قراردادی تبدیل شد و این موضوع مبارزه ای همه جانبه تر و وسیع تر در سراسر کشور است. اعتصاب کارگران آلمین به سهم خود زمینه را، همبستگی و اعتماد بنفس را، برای این مبارزه نیز هموارتر کرد.

**ایسکرا را
به دوستان
و آشنایان
خود
معرفی
کنید**

ادامه جنبش چپ در کردستان و فاز ...

سیاست در جامعه گذاشت. طبقه کارگر در مقطع ۵۷ هنوز طبقه ای جوان و کم تجربه بود. از لحاظ کمیت ابعاد و وسعت امروز را نداشت. شاید جوان بودن و درجه دخالت طبقه کارگر در کردستان چنان بود که احزاب بورژوازی و ناسیونالیست کرد هنوز به خود اجازه میدادند که بگویند ما در کردستان کارگر نداریم. البته احزاب بورژوازی اینرا میگفتند که نقش استثمارگرانه سرمایه داران را منکر شوند و جامعه را مقابل سرمایه داری و فئودالی جلوه دهند. آن هنگام باید با فاکت و آمار و ارقام در جواب احزابی مثل حزب دمکرات کردستان ایران وجود این طبقه را نشان میدادیم. اکنون با سیر

رو به رشد تحولات کمی و کیفی طبقه کارگر در جامعه کردستان دیگر هیچ کدام از احزاب بورژوازی کردستان جرات نمیکند این تئوری احمقانه را تکرار کنند. اینجا من قصد بررسی تاریخی مبارزات و تحولات طبقه کارگر در کردستان را ندارم. تلاش میکنم که فاکتورهای مهم در یک سال گذشته را بررسی کرده و از این دریچه وارد فضای امروز شوم. این فاکتورها چنان گویا است که میتوان با رجوع به آنها نشان داد که طبقه کارگر در کردستان پا به فاز تازه ای گذاشته است. سعی میکنم که مشخصات این دوره و توقعات رو به آینده را که میتواند برای مبارزات فعالین کارگری مفید واقع شود، توضیح دهم. امیدوارم که با دخالت فعالین دست اندرکار این عرصه این جهت گیری و افق رو به آینده کاملتر گردد. جنبش کارگری بعد از واقعه دستگیری فعالین کارگری سقز و حمایتهای متعاقب از آنها، بویژه با اعتصاب کارگران نساجی پوسته فعالیت سنتی را شکست. اعتصاب نساجی تجربه مهمی بود که فعالین کارگری توانستند با شکل کاملاً متفاوتی به نسبت دوران قبل از این حرکت، پا به میدان مبارزه بگذارند. این اعتصاب بطور واضحی تصمیماتش متکی به مجمع عمومی کارگران بود. فعالین کارگری به خارج از کارخانه رجوع کرده و جامعه را مورد خطاب قرار دادند. فعالین کارگری و چپ خارج



بخشی از خواسته های سراسری کارگران ایران در تظاهرات اول ماه مه در سقز

میدانند و انگار مردم باید به آنها احترام بگذارند و در روز موعود هم به آنها رای بدهند. این اتفاق نامیمون فقط حاصل حاکمیت ارتجاع و دیکتاتوری است که عدم ابراز وجود انسانهای برابری طلب و رهبران کارگری و اجتماعی چپ را دچار مشکل کرده است. اما در کنار حاکمیت ارتجاع سنتهای قدیمی و دست و پایگیر و عقب مانده در میان جریانات و فعالین چپ هم يك موضوع دیگر است که باید به آن توجه کرد و کنار زد. امروز با وجود حاکمیت اسلام و ارتجاع در جامعه، تعدادی از فعالین و رهبران عملی توانسته اند خود را از زیر این آوار رها کنند و پا به میدان سیاست واقعی و اجتماعی بگذارند. با به میدان آمدن فعالین چپ و برابری طلب در جنبشهای اجتماعی و رادیکال، صفی از انسانهای آزادیخواه و مبارز در جامعه ظهور و عروج میکنند که بسیار مهم است. این اوضاع از یکطرف باعث میشود که هم جامعه شانس رهایی از این برزخ را پیدا کند و هم مردم ناچار نمیشوند فقط از میان مرتجعین انتخاب کنند. فعالیت علنی و وجود رهبران علنی و رادیکال در راس مبارزات مردم که بتوانند به عنوان صاحبان واقعی جامعه ظهور کنند حرکتی است که آغاز شده است. این حرکت را باید وسعت و تعمیق

هم گام شدن با جریانات ناسیونالیستی در همان چهار چوب مشغول لاس زدن با فعالین جنبشهای عقب مانده و ارتجاعی است. فعالین جنبش کارگری و اجتماعی رادیکال هیچ بدهکاری به این جنبشها و این سنتهای عقب مانده ندارند. ما باید تلاش کنیم که صف فعالین و رهبران کارگری در نقش هدایت مبارزات و سازمانهای کارگری و چهره های شناخته شده و اجتماعی چنان همه گیر و عمومی شود که به نرم جامعه تبدیل گردد. امروز ما هنوز شاهد ابراز وجود تعداد کمی از فعالین و رهبران کارگری و جنبشهای اجتماعی هستیم. کسی که میخواهد تصویر درستی از این سنت و سیاست داشته باشد باید به جامعه و دور و بر خود نگاه کند، که چگونه در هر روستا و محله و کوچه ای يك ملا یا آخوند و شیخ و کدخدا و میرزا بنویس ناسیونالیست مرتبا مغز مردم را با خرافات به کار میگیرند. دهها برابر این مرتجعین باید انسانهای آزادیخواه و برابری طلب در هر گوشه ای از جامعه مشغول آژیتاسیون و سازمان دادن مردم باشند. باید تلاش کنیم چهره ها و شخصیتهای آزادیخواه و برابری طلب به عنوان شخصیتهای معروف و شناخته شده در جامعه مطرح شوند. نگاه کنید و ببینید که هر ژورنالیست و وکیل و قاضی مسلمان یا ناسیونالیست کرد چگونه خودشان را صاحب جامعه

مبارزه ای که انتخاب میکنند کاملاً بر سیر رو به رشد مبارزات کارگری تاثیر گذار است. اول مه سنندج و قطعنامه، شعارها، توقعات، و اعلام حمایت از کارگران نساجی کاشان و فیلیور تهران که ۴۵۰ هزار تومان حداقل دستمزد شده بودند، با شعار کارگران جهان متحد شوید، تکمیل شده بود. نقش و جایگاه سیاست انترناسیونالیستی و ضد ناسیونالیستی و ضد قومگرایی کارگران در این مراسم کاملاً مشهود بود. در این مراسم جنبش چپ و کارگری در کردستان کاملاً نمایندگی شد. اکنون ما در کردستان صفی از رهبران و فعالین کارگری تا حدودی شناخته شده را می بینیم که تصمیم دارند در این عرصه به عنوان رهبران و فعالین رهایی کل جامعه ظاهر شوند. ظهور این فعالین و رهبران کارگری و اجتماعی بدون يك سیاست رادیکال و بدون نقد سنت چپ قدیم ممکن نمیشد. ما در کردستان شاهد عملی شدن گوشه ای از بحث هویت یابی فعالین و رهبران عملی هستیم. میگویم گوشه ای از این سیاست عملی شده است. زیرا هنوز ما باید تلاش کنیم که فعالین کارگری و اجتماعی را از زیر نفوذ چپ سنتی و سنتهای عقب مانده رها کنیم. این سنت قبلاً در سنگر دفاع خجولانه از کارگر فکر میکرد با علنی شدن فعالین کارگری امنیتشان به خطر می افتد. اکنون با

نامه سرگشاده کارگران کارخانه آلومین به کنفدراسیون اتحادیه های آزاد کارگری به سازمانهای کارگری در سراسر جهان

پشتیبانی کنید.

کارگران کارخانه رادیات
سازی آلومین در سنندج
۲۴ اردیبهشت ۸۴

۱- علی عباسی

۲- حسین میرکی

۳- فتح الله زاهدی

۴- مظفر اصلانی

۵- رامین قریه ای

۶- جمشید پرکانیان

۷- بابیزید قاسمی

۸- محمد محمدی

۹- صدیق عباسی

رونوشت به همه رسانه ها

کارگران رادیات سازی آلومین پیروز شدند

کارفرما و اداره کار به خواستهای کارگران گردن گذاشتند روز یکشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه از ساعت ۸ صبح کارگران رادیات سازی آلومین در مقابل اداره کار تجمع کردند. تجمع امروز در ادامه چند روز مبارزه قاطعانه کارگران بود. کارگران آلومین همراه با خانواده هایشان عزم جزم کرده بودند تا تحقق کامل مطالبات خود را بگیرند. اعتراض را ادامه دهند. بیش از ۱۵۰ نفر از کارگران نساجی کردستان و شاهر و شهرک صنعتی نیز طی طوماری از خواست های کارگران آلومین حمایت کردند. این تحرك مبارزاتی، این همبستگی، شرکت فعال خانواده ها، دست زدن به تجمعات اعتراضی در بیرون کارخانه، فراخوان کارگران آلومین به سایر کارگران و مردم سنندج، نامه به کنفدراسیون اتحادیه های کارگری و سایر سازمانهای کارگری در سراسر جهان و انعکاس اخبار مبارزه کارگران آلومین در رسانه های حزب کمونیست کارگری، در رادیو و بویژه تلویزیون انترناسیونال، عامل پیروزی کارگران آلومین بود.

اما گزارش مشروح تجمع و مذاکره روز ۲۵ اردیبهشت کارفرمای آلومین با تبنای اداره کار تمام کارگران استخدام رسمی را به تدریج از کار اخراج کرد. دیروز ساعت ۱۲ آخرین کارگران رسمی یعنی بابیزید قاسمی، حسین میرکی، فتح الله زاهدی و رامین قریه ای هم

به دلیل امتناع از امضای قرارداد موقت کاری از کار اخراج شدند.

در مقابل این فشارها ما کارگران دست به اعتصاب زده و خواهان بازگشت به کار همکاران اخراجی خود و متوقف شدن اخراجها شدیم. اما کارفرما توجهی به اعتراض ما نکرده و کارگران را تحت فشار قرار داده است که به اعتصاب خود خاتمه دهیم. این نکته هم لازم به یادآوری و تاکید است که در این مملکت نه حق اعتصاب وجود دارد نه حق تشکل.

بدینوسیله ما خواهشیمان را به اطلاع شما و همه مراجع و نهادهای کارگری در سطح بین المللی می‌رسانیم و خواهان حمایت شما از خواستهای برحق خود هستیم:

۱- ما خواهان ایمنی محیط کار و پرداخت خسارت به همکاران جمشید پرکانیان که چهار انگشت خود را از دست داده است، می‌باشیم.

۲- ما خواهان از دور خارج کردن دستگاههای کار فاقد استاندارد ایمنی در این کارخانه هستیم.

۳- ما خواهان متوقف شدن اخراجها و بازگرداندن همکاران اخراجی خود به سر کار هستیم.

۴- ما خواهان پایان دادن فشار به کارگران شاغل برای امضای قرارداد موقت هستیم. همچنین ما خواهان رسمی شدن استخدام کارگران قراردادی می‌باشیم.

۵- ما خواهان حقوق و مزایای مساوی برای کارگران موقت و استخدام رسمی هستیم

ما اعتراضمان را ادامه میدهیم و تسلیم فشارها نمیشویم و به حمایت و پشتیبانی شما نیاز مبرم داریم. حمایت شما کمک بزرگی به عملی شدن خواستهای ما خواهد کرد. از شما می‌خواهیم که صدای اعتراض ما را در سطح جهانی منعکس کنید و با محکوم کردن این فشارها از مبارزات ما

بدینوسیله به اطلاعاتان می‌رسانیم که ما کارگران کارخانه رادیات سازی آلومین در سنندج بیش از دو هفته است در اعتراض به اخراج همکارانمان در این کارخانه در اعتصاب بسر می‌بریم. موضوع از این قرار است که مدیریت کارخانه با تایید اداره کار کارخانه را به بخشهای کوچکی، یعنی تعدادی کارگاه پائین تر از ده نفر، تبدیل کرده است تا کارگران را از دایره شمول حداقل قوانین کار خارج کند. با این توطئه دست کارفرما در اخراج کارگران باز شده است و هرگونه حقوق و مزایائی مطابق قانون کار زیر سوال می‌رود. بدنبال اجرای این سیاست از اسفند ۸۳ تا کنون ۵۵ نفر از کارگران این شرکت از کار بیچار شده اند. در همان حال کارفرما کارگرانی را که در استخدام رسمی هستند تحت فشار قرار داده است تا قرارداد موقت امضا کنند. قرارداد موقت در ایران به معنی بردگی تمام عیار است.

این فشارها به حدی است که مستقیماً بر روی کار ما تاثیر گذاشته است و ظرف دو روز ما شاهد دو حادثه ناگوار در کارخانه بودیم. روز ۲ اردیبهشت یکی از همکاران ما به نام جمشید پرکانیان با ۱۷ سال سابقه کار ساعت ۲ نیمه شب در حیاط کارخانه مجبور به امضای قرارداد موقت گردید و تحت فشار این کار نبود حداقل ایمنی محیط کار در کارخانه در همان روز دچار حادثه ای گردید و دست چپ او لای دستگاه ماند و ۴ انگشت خود را از دست داد. و اکنون نه کارفرما و نه دولت حاضر نیستند حتی هزینه معالجه او را بعهده بگیرند. اینهم روش بشدت غیر انسانی اینها و سهم کارگر در این جامعه!

روز ۳ اردیبهشت نیز چهار نفر از کارگران به اسامی علی عباسی، مظفر اصلانی و محمد محمدی هرکدام با سابقه ۱۴ سال کار و صدیق عباسی با سابقه ۱۷ سال کار

در این ماجرا کارگران و خانواده ها را بشدت عصبانی میکند. کارگران موقتاً محل را ترک میکنند تا برای ادامه اعتراض خود را آماده کنند. قرار است فردا تمامی کارگران به همراه خانواده هایشان در مقابل اداره کار سنندج دست به تجمع بزنند.

در همین روز بنا به اعتراض کارگران به عدم ایمنی محیط کار و غیراستاندارد بودن دستگاهها، هیاتی به کارخانه آمده و دستگاهها را کنترل میکند. نادر محمدی مسئول روابط عمومی اداره کار که قبلاً در حضور کارفرما اعلام کرده بود که دستگاه ماشینی که در بخش رادیات است از دور خارج است و ایمن نیست، امروز اعلام داشته است که اشکالی در دستگاهها نیست و اتفاقی که برای جمشید پرکانیان افتاده تقصیر خودش بوده است. از سوی دیگر امروز صبح پرونده علی عباسی که حکم اخراج گرفته بود از سوی هیات تشخیص مورد بررسی قرار گرفت و علیرغم اینکه صاحبکار قبلاً محکوم شده بود، با اینهمه هیات حق را به کارگران میدهد و علی عباسی را مقصر شناخت.

گفتنی است که در این کارخانه در ابتدا ۸۳ کارگر اشتغال به کار داشتند. تا کنون تعداد زیادی از کارگران اخراج شده اند و اکنون فقط ۳۰ نفر باقی مانده اند. کارفرما با تبنای اداره کار کارخانه را به سه بخش زیر ده نفر تقسیم کرده است که هر بخش صاحبکار خود را دارد و با این اقدام کارگران را از شمول قانون کار خارج کرده تا استخدام های رسمی را لغو و همه کارگران را قراردادی و روزمزد کنند و حق و حقوقی به کارگران نپردازد. هاتفی حائری، عندلیب پیرانی و آذرخش اسامی صاحبکاران این بخش هاست. عندلیب پیرانی مسئولیت بخش رادیات است که اعتراض از آنجا شروع شد.

کارگران نامه سرگشاده ای خطاب به کنفدراسیون اتحادیه های آزاد و تمام اتحادیه های کارگری نوشته اند. تاکنون ۹ نفر از کارگران بخش رادیات آنرا امضا کرده اند. کارگران همچنین طی نامه ای از مردم شهر و کارگران مراکز کارگری خواهان حمایت شده اند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

بیفتد کارگران مسئول هستند. کارگران به اعتراض خود ادامه داده و از امروز ۲۴ اردیبهشت ماه از ساعت ۶/۲۰ صبح دست به اعتصاب زده و سر کار خود حاضر نشدند. در ساعت ۹ صبح خانواده های کارگران نیز در حمایت از آنها به محل کارخانه رفته و به تجمع کارگران پیوستند. هم اکنون کارگران به همراه خانواده هایشان در محل کارخانه در تحصن بسر می‌برند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران از خواستهای بحق کارگران آلومین قاطعانه پشتیبانی میکند و همه کارگران و مردم سنندج را به حمایت از آنها فرامیخواند.

۲۴ اردیبهشت ۸۴

۱۴ مه ۲۰۰۵

به دبیره کارفرما و برای
تسلیم کارگران کارخانه آلومین در
سنندج، کودک یکی از کارگران
ربوده شد

کارگران مصممانه تر و متحدانه تر اعتراض را ادامه میدهند کارگران آلومین از کارگران مراکز کارگری و مردم سنندج خواهان حمایت شدند

همانطور که در اطلاعیه قبل به اطلاع رساندیم، امروز ۲۴ اردیبهشت کارگران رادیات آلومین در سنندج دست به اعتصاب زدند. از ساعت ۹ صبح خانواده های کارگران نیز به تجمع کارگران پیوستند. در همین هنگام نیروهای انتظامی به محل تجمع کارگران رفتند تا کارگران و خانواده ها را تهدید کنند. از اداره کار نادر محمدی همراه با دو فرد ناشناس، از کارگران خواستند که خانواده هایشان را به خانه بفرستند. کارگران اعلام کردند که از محل تکان نخواهند خورد و به اعتراضشان ادامه خواهند داد. کارفرما دست به اقدام جنایتکارانه دیگری زد و با دبیره علی عباسی از کارگران بنام علی عباسی را از محل می ربایند. کارگران فوراً متوجه شده و به ماشینی که کودک علی عباسی را همراه داشت حمله می‌برند، آنرا متوقف میکنند و کودک را نجات میدهند. حسین میرکی یکی از کارگران آلومین بشدت مورد ضرب و شتم قرار میگیرد و به بیمارستان منتقل میشود. مساله دزدی کودک

اخراج شدند. کارگران عصر دیروز طی نامه ای مردم سنندج و کارگران مراکز کارگری را به شرکت در تجمع امروز خود فراخواندند. و امروز همراه با خانواده هایشان در مقابل اداره کار دست به تجمع زدند. کارگران مصممانه اعلام کردند چنانچه همین امروز به خواسته های آنان پاسخ داده نشود اقدامات جدی تری را در دستور قرار میدهند. اداره کار و کارفرما از ترس گسترش اعتراض، بلافاصله با نمایندگان کارگران شروع به مذاکره کردند تا هرچه سریعتر مساله را حل و فصل کنند. مذاکره در ساعت ۹ و نیم

صبح شروع شد. نادر محمدی از طرف اداره کار، عنعللیب پیرانی کارفرما و علی عباسی، رامین قریه ای و فتح الله زاهدی از طرف کارگران وارد مذاکره شدند.

کارگران در جریان مذاکره بر سه خواست خود تاکید کردند:

- ۱- پرداخت فوری دستمزد و تمامی مزایای دوران اعتصاب
- ۲- پرداخت ۵ ماه حقوق در ازای هر سال سابقه کار برای کارگران اخراجی
- ۳- پرداخت خسارت به جمشید پرکانیان که در جریان کار ۴ انگشت خود را از دست داده است

نماینده اداره کار و کارفرما در ابتدا زیر بار خواسته های کارگران نرفتند. از جمله در ازای هر سال سابقه کاریک ماه و نیم حقوق را پذیرفتند اما کارگران بر پنج ماه حقوق پافشاری کردند. اداره کار و کارفرما از یک ماه و نیم به دو ماه رسیدند اما نهایتا مجبور شدند به ۴ ماه و نیم رضایت دهند. موافقت شد که دستمزد و مزایای دوره اعتصاب را هم پرداخت کنند و پرونده جمشید پرکانیان که در جریان کار ۴ انگشتش را از دست داده بود و قبلا او را مقصر شناخته بودند بر بررسی کنند تا خسارت او را پرداخت کنند.

کارگران موفق به بازگرداندن کارگران اخراجی نشدند و بدین ترتیب استخدام رسمی به کار قراردادی در آئومین تبدیل شد، با اینهمه کارگران به بخشی از خواسته های خود دست یافتند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری پیروزی کارگران آئومین را به همه آنها و خانواده هایشان تبریک میگوید. این موفقیتی برای تمامی کارگران است. تجربه کارگران آئومین نشان داد که میتوان حتی در کارخانه ای نسبتا کوچک با تعداد کمی کارگر پیروز شد، میتوان کارفرما و دولت را تسلیم کرد.

پیروزی کارگران آئومین پیام مهمی برای کل طبقه کارگر دارد و حاوی درسهای گرانبهایی برای کارگران و مردم آزادیخواه است. وضعیت بحرانی جمهوری اسلامی، اعتراض و نارضایتی عمیق و گسترده در سراسر جامعه و وجود حزب کمونیست کارگری در صحنه سیاسی کشور فاکتورهای مهمی برای پیروزی است. از این فرصت باید استفاده کرد و متحد و یکپارچه برای تحقق مطالبات به میدان آمد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۴، ۱۵ مه

ادامه کارگران شاهو در مقابل اداره کار ...

کارگران رسیدگی شود آنها این نامه را به اداره بیمه اجتماعی ارجاع داده اند. کارگران اخراجی به اداره کار و استانداری مراجعه کرده اند اما جوابی به آنها داده نشده است. در اعتراض به این وضعیت، کارگران شاهو امروز در مقابل اداره کار سنندج دست به تجمع اعتراضی

زده اند. به اخراج خود اعتراض کردند و به عدم پاسخگویی مقامات دولتی اعتراض کردند. در جریان مذاکره امروز با اداره کار باز هم مقداری وعده و وعید به آنها تحویل داده شد. اداره کار تا ۷ خرداد مهلت خواست اما کارگران در پاسخ به این وعده ها اعلام کردند که فردا سه

شنبه در مقابل استانداری شهر تجمع خواهند کرد. کارگران اخراجی و خانواده هایشان قرار است فردا در این تجمع در مقابل استانداری بار دیگر مطالباتشان را مطرح کنند. نماینده کارگران اخراجی شاهو در مصاحبه امروز خود با رادیو انترناسیونال و رادیو شرایط سخت این کارگران را تشریح نموده و خواهان حمایت سازمانهای مدافع حقوق کارگری از مبارزات و

مطالبات کارگران اخراجی شاهو شد. کمیته کردستان ضمن حمایت قاطع از کارگران شاهو از همه کارگران و مردم سنندج میخواهد که از مطالبات کارگران شاهو حمایت کنند و فردا هرچه وسیعتر به تجمع آنها در مقابل استانداری بپیوندند. کمیته کردستان حزب از کارگران نساجی کردستان، از کارگران آئومین، از کارگران شهرک صنعتی،

صادق امیری آزاد شد

به گزارش کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری، صادق امیری عضو علی البدل این کمیته و از مسئولین تدارک و برگزاری اول مه در سینما فردوسی که روز ۱۵ اردیبهشت ماه دستگیر شده بود، در روز ۲۴ اردیبهشت ماه با قید وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شده است. صادق امیری به خاطر دفاعش از حقوق کارگران و برپایی مراسم اول

این تلاش را نیز باید به شکست بکشانیم و رفع تعقیب کامل و بی قید و شرط صادق امیری را به جمهوری اسلامی تحمیل کنیم. لازم به یادآوری است که پرویز سالاروند کارگر ایران خودرو که از تاریخ ۲۳ فروردین امسال دستگیر شده است همچنان در زندان بسر میبرد. جرم پرویز سالاروند اعتراض به عدم پرداخت عیدی و پاداش یعنی بخشی از دستمزد کارگران و نیز اعتراض به دستمزدهای پائین بویژه دستمزد

کارگران پیمانی است که از کارگران رسمی بسیار کمتر میباشد. در روزهای اخیر شماری از سازمانهای کارگری طی نامه هائی به خاتمی خواهان آزادی صادق امیری و پرویز سالاروند شده اند. حزب کمونیست کارگری دستگیری و اذیت و آزار فعالین کارگری و پاپوش دوزی علیه آنان را قویا محکوم میکند و خواهان رفع تعقیب کامل و بدون قید و شرط صادق امیری و آزادی فوری

پرویز سالاروند است. حزب کمونیست کارگری از همه کارگران و مردم آزادیخواه و از همه سازمانهای کارگری و نهادهای مدافع حقوق انسان میخواهد علیه سیاست های ضدکارگری حکومت اسلامی اعتراض کنند و خواهان رفع تعقیب از صادق امیری و آزادی پرویز سالاروند شوند. حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۴

ادامه اولتیماتوم کارگران نساجی به ...

توافقات به عمل آمده در جریان مذاکرات دوره قبل کارگران نساجی با کارفرما، اداره کار و مسئولین دولتی، کارفرما متعهد شد که مطالبات مورد توافق در این مذاکرات را عملی نماید. از آن تاریخ

بر اساس توافقات قبلی بر اجرای مطالبات مطرح شده در مذاکرات سه جانبه پافشاری نمایند. مجمع عمومی ضمن پافشاری بر مطالبات کارگران، به کارفرما اولتیماتوم داد که چنانچه تا ۴ خردادماه این مطالبات اجرا نشود، دوره تازه ای از اعتصابات کارگران نساجی کردستان از سر گرفته خواهد شد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت قاطع از خواسته ها و مطالبات برحق کارگران از همه کارگران و مردم شهر سنندج می خواهد که از این اعتراضات و خواسته های کارگران حمایت نمایند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۴

از سایت کمیته کردستان دیدن کنید

www.iskraa.org

ادامه جنبش چپ در کردستان و فاز ...

بخشید. در این دوره کلید پیشرفت و پیروزی مبارزات حق طلبانه و برابری طلبانه مردم ابراز وجود صف وسیعتری از این رهبران و فعالین کارگری و اجتماعی است. فعالین و رهبرانی که بتوانند خود را به جنبشهای مترقی و انسانی در سطح دنیا وصل و در مقابل جنبشهای عقب مانده و ناسیونالیستی قد علم کنند. همچنانکه فعالین کارگری سقز، نساجی کردستان و فعالین کارگری آلمین و شاهو در سنندج مبتکر آن بودند. بعنوان آخرین فاکتور باید به نقش تشکل یابی و اهمیت آن اشاره کنم. کارگران در جریان عمل اهمیت تشکل و تشکل مستقل کارگری را هر چه بیشتر درک کرده و خود دست اندرکار تشکل یابی شده اند. اما این حرکت هنوز در ابتدای راه است. باید تشکل را بوجود آورد و توده کارگران را در تشکلپایان سازمان داد. کارگران و فعالین کارگری با ایجاد تشکل از طریق گسترش جنبش مجمع عمومی و منظم کردن این مجامع میتوانند گام مهم دیگری به جلو بردارند. قدم بعدی در ایجاد تشکل کارگری میتواند از پایین با گسترش و تشکیک منظم مجامع عمومی و از بالا بوسیله رهبران و فعالین

محورهای مبارزاتی در شرایط کنونی!

همه اقداماتی که به آنها اشاره شد بر محور مطالبات معینی صورت گرفته است. این مطالبات تا حدود زیادی همه گیر و عمومی است. به همین دلیل امکان و توان توده گیر شدن را دارا میباشند.

- ۱- مسئله تعیین حداقل دستمزد ۲- مطالبه امنیت شغلی و مقابله با سیاست اخراج سازی ۳- اعتراض به قرار دادهای موقت ۴- پرداخت دستمزدهای معوقه و ۵- حق تشکل و اعتصاب طبعاً خواسته ها و مطالبات کارگری بسیار فراتر از اینها است اما این مطالبات محورهای اصلی مبارزات کارگران در کردستان بوده اند. این مطالبات همچنان به قوت خود پا بر جا است. در عین حال این خواسته ها ابعاد سراسری در ایران دارند. در میان این مطالبات مسئله تعیین حد اقل دستمزد یک محور مهم و همه گیر است که میتواند به یک نقطه عطف در مبارزات کارگری تبدیل شود. اگر



کارگران بتوانند مطالبه ۴۵۰ هزار تومان به عنوان حداقل دستمزد را به پرچم مبارزه سراسری خود تبدیل کنند، امکان و توان جنبش کارگری در مدت کوتاهی میتواند چنان قدرتمند شود که راه رسیدن به دیگر مطالبات را هموار کند. رهبران و فعالین کارگری در عین حال باید با اتکا به پتانسیل جنبش کارگری و جنبش های اعتراضی در ایران خود را برای هدایت و رهبری جنبش انقلابی در ایران آماده کنند. در این راستا لازم است که اقدامات معینی را در دستور قرار دهند.

جامعه است و پاشنه آشیل جریانات ارتجاعی و ناسیونالیستی است. بهر حال این مقطع زمانی یک نقطه عطف مهم در مبارزات کارگری و جنبش انقلابی مردم در کردستان است که باید به آن عطف توجه کرد و آنرا رشد و گسترش داد. در نوشته بعدی به موقعیت جنبش های اجتماعی دیگر و نقش جنبش زنان، جنبش جوانان و دانشجویان خواهیم پرداخت.

ادامه دارد

۲۸ اردیبهشت ۸۴

قتل یک نفر در اشنویه، به دست نیروهای جمهوری اسلامی

مردم خشمگین به مراکز دولتی و بانکها حمله بردند
پرچم جمهوری اسلامی ایران به پایین کشیده شد و مردم آنرا آتش زدند

میکنند. مردم معترض و خشمگین در ادامه مسیر به بانک ملت حمله برده و شیشه های بانک را می شکنند. در گورستانی که حسین درویش محمد دفن میشود، نیز مردم شعار داده و از جنایت حکومت اسلامی و تیراندازی مکرر مزدوران حکومتی و قتل تعداد زیادی از مردم در چند ماه اخیر صحبت شده و این جنایات را محکوم میکنند.

در حین بازگشت تظاهرکنندگان به شهر در خیابان امام خمینی شهر اشنویه بانک کشاورزی و صادرات مورد حمله قرار میگیرد و پرچم جمهوری اسلامی در محل فلکه مرکزی پائین کشیده شده و به آتش

شب یکشنبه یک کارونچی به اسم حسین درویش محمد، در نزدیکی "آسناوا" به کمین نیروهای حکومت اسلامی افتاده و با شلیک گلوله به قتل میرسد. صبح روز بعد مردمی که برای تحویل گرفتن جنازه وی به رضائیه رفته بودند، با دوندگی زیاد، ساعت ۷ بعد از ظهر جنازه را تحویل گرفته و بسوی اشنویه راه می افتند. در اشنویه در مسیر راهپیمایی بسوی گورستان بتدریج جوانان و مردم تجمع کرده و صف بزرگی از مردم به راه می افتد. در همین مسیر وقتی مردم از جلوی نیروهای انتظامی رد میشوند، شروع به شعار دادن کرده و بطرف نیروهای جمهوری اسلامی سنگ

حکومت بسر رسیده و خواهان پایان دادن به عمر این حکومت جنایتکار هستند.

کمیته کردستان ضمن تسلیت به خانواده حسین درویش محمد به جوانان و مردم مبارز اشنویه درود میفرستد. این حرکت اعتراضی زمینه ساز اعتراضات بیشتر علیه حکومت اسلامی است و از همه مردم دعوت میکنیم که با برپایی میتینگ و اعتراضات متعدد این جنایت جمهوری اسلامی را بی جواب نگذارند. ما همه شما مردم اشنویه را فرامیخوانیم که برای آزادی دستگیر شدگان در مقابل ادارات دولتی تجمع کنید و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها شوید.

کمیته کردستان حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۷ اردیبهشت ۸۴ - ۱۷ می

۲۰۰۵

کشیده میشود. در خیابان سرباز گنمنا و کارگر سابق بانک مسکن مورد حمله مردم خشمگین قرار گرفته و شیشه های آن شکسته میشود. همچنین در مسیر فلکه سید آبادی بانک تجارت مورد حمله قرار میگیرد. همزمان مزدوران حکومتی نیز مورد حمله مردم قرار میگیرند. جمهوری اسلامی مجبور میشود از شهرهای اطراف تقاضای نیروی کمکی کرده و با گاز اشک آور و تیر انداز هوایی به مردم سعی میکنند تظاهرکنندگان را پراکنده نمایند. اما جنگ و گریز میان مردم و نیروهای رژیم اسلامی شدت میگیرد. نیروهای نظامی جمهوری اسلامی به مردم حمله میکنند و در جریان این حمله حدود ۶۰ تا ۷۰ نفر دستگیر شده اند.

شعار مرگ بر خامنیه ای مرگ بر خاتمی و جمهوری اسلامی همگی نشان میدهد که مردم جانشان از